

## بررسی رویکردهای مختلف سازگاری با زمینه جهت تقویت جایگاه زمینه‌گرایی در فرآیند برنامه‌دهی معماری\*

الناز ایمانی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۱/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۹/۲۱

### چکیده

زمینه‌گرایی و درک پیام آن ضرورتی در فرآیند طراحی پروژه‌هایی است که می‌خواهند در راستای توسعه پایدار گام بردارند. گذشته از بعد کالبدی، جنبه‌های متفاوتی در این حوزه مطرح است که به منظور اصلاح و بهبود تعامل با بستر لازم است از مرحله اولیه برنامه‌دهی معماری در مورد تحقق آنها در پروژه‌های امروزی مطالعه گردد. هدف اصلی پژوهش تلاشی برای شناخت روش‌ها و چگونگی ایجاد تعاملی هدفمند با زمینه، جهت تبیین جایگاه زمینه‌گرایی در نظام برنامه‌دهی معماری است. این تحقیق بر اساس روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد جهت‌دار انجام شده است. با مطالعه مؤلفه‌های مربوط به زمینه به عنوان واحدهای سطوح انتزاع و عوامل مطرح در برنامه‌دهی معماری به عنوان واحدهای معنا، راهکارهای ایجاد هماهنگی بین آنها در نمونه‌های موردی پژوهش با رویکرد جهت‌دار مورد بررسی قرار گرفته‌اند. از این رو نمونه‌ها از جامعه گسترده‌ای انتخاب شده‌اند تا نتایج و معیارهای به دست آمده جامعیت کافی را دارا باشند. استفاده از تجربیات سایر کشورها، انتخاب استراتژی‌های مناسب را سبب می‌شود و خروجی کاربردی از این تجربیات، ضامن تداوم و استقبال از تکرار آنها در موارد مشابه است. بر اساس نتایج تحقیق معماری زمینه‌گرا نه تأکید بر تقلید دارد و نه مانع نوآوری و خلاقیت است. هدف ایجاد ارتباطی بهتر بین معماری و زمینه است که جنبه‌های زیبایی‌شناختی و معنایی در آن اهمیت فراوان دارند. بر اساس مقایسه شاخص‌ها و حوزه‌های مطرح در بحث زمینه‌گرایی و مراحل موجود در برنامه‌دهی معماری، علاوه بر تعریف عمیق‌تر خلاقیت معمارانه، باید نحوه نگرش معماران، مخاطبان و کارفرمایان به این حوزه تغییر یابد. الهام از روحیه مکان در کنار توجه به روحیه زمان، توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، اقلیمی، کالبدی، بصری و اجتماعی بستر، آموزش صحیح معماران و گفت‌وگو معمار، مخاطب و کارفرما از نتایجی است که باید در جامعه معاصر ایران، در برنامه‌دهی معماری همواره مدنظر قرار گیرد تا با حضور آنها محیط مطلوب در معماری و در مقیاس کلان‌تر از معماری تعریف گردد.

### واژه‌های کلیدی

معماری، زمینه طراحی، برنامه‌دهی معماری، جامعه معاصر.

۱. دانشجوی دکتری معماری اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران

\* این مقاله برگرفته از مقاله ارائه شده به کنفرانس بین‌المللی روش‌های پیشرفته طراحی و ساخت در معماری زمینه‌گرا است.

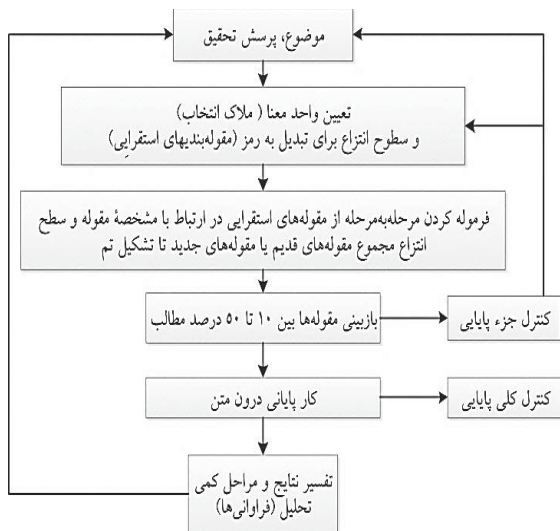
## ۱- مقدمه

زمینه‌گرایی دیدگاهی است که به ویژگی‌های یک مکان توجه دارد. از این رو در عین حال که به گونه‌ای ضمنی به تمایز مکان نیاز دارد و ایجاد ارزش‌های جدید را نفی نمی‌کند، به صراحت، تداوم ارزش‌های کالبدی مکان با زمینه موجود را خواستار است. زمینه‌گرایی سازگاری با زمینه کالبدی، تاریخی و اجتماعی - فرهنگی است که بر طبق ایده‌ها و اشکال گذشته در شکل دادن به کالبد شهرهای معاصر حضور دارند. در زمینه‌گرایی علاوه بر توجه به جنبه‌های کالبدی به جنبه‌های انسانی نیز توجه می‌شود چرا که عدم توجه به جنبه‌های انسانی بناهایی را به وجود می‌آورد که آثار جبران‌ناپذیری در پی خواهند داشت. انسان امروزی چنان فاصله‌ای از زمین و طبیعت گرفته است که بیش از هر زمان دیگر باید به خویش برگردد و به تأمل نشیند. تبادل سریع اطلاعات در دنیای معاصر و ارتباط آن‌ها با معماری باعث یکسان‌سازی شهرها و تبدیل آنها به شهرهای عمومی شده است. میزان موفقیت فضاهای شهری با میزان استفاده از آن فضا و حضور انسان در آن متناسب است. در واقع معماری و شهرسازی باید به جای افتراق و جدایی در پی افزایش تعاملات اجتماعی و همبستگی انسان‌ها باشد (بهزادفر و طهماسبی، ۱۳۹۲). اگرچه در دوران معاصر با وجود شهرهایی با چهره ناهمگون فقدان زمینه‌ای که به آن رجوع کرد حس می‌شود اما با این وجود هر سایت دارای قابلیت‌های فرهنگی، کالبدی و تاریخی است که می‌توان از آن استفاده کرد. شهر به‌عنوان یک ساختار کالبدی سیما و پیکره‌ای رشد یافته دارد. نگرش حساب شده به رشد و روند توسعه آن به طور مستقیم با حیات شهر و چگونگی فعالیت‌های آن مرتبط می‌باشد (هاشم‌نژاد، ۱۳۸۸). در این مطالعه سعی شده است ابتدا با توجه به اهمیت دل‌بستگی‌های مکانی و حفظ ارزش‌های سایت و زمین، به عنوان بستر شکل‌گیری تمدن‌های بشری، به نقش معماری زمینه‌گرا توجه و به زمینه اثر به عنوان یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های آن پرداخته شود. در فرایند طراحی معماری، برنامه‌دهی به منظور دستیابی به کلتی هدفمند، همراه با زیبایی فرمی و فضایی اهمیت پیدا می‌کند. برنامه‌دهی معماری، روشی منظم به منظور جستجو و تحقیق است. یعنی روشی است با کنش متقابل نسبت به عوامل مؤثر بر طراحی معماری. بدین منظور باید راهبری پروژه در جهت نیل به طرح نهایی در راستای توسعه پایدار، همراه با ملحوظ کردن تمامی عوامل و مؤلفه‌های مطرح در زمینه، در تمامی مراحل برنامه‌دهی در معماری، از بنا نهادن اهداف تا حل مسئله باشد.

این مقاله در نظر دارد با مطالعه اسناد و مدارک موجود و همچنین با تحلیل نمونه‌های موردی مطرح در این خصوص، به نحوه ارتباط طرح با زمینه و مزایای بهره‌گیری از این روش بپردازد و در آخر به این نتیجه برسد که چگونه می‌توان به وسیله زمینه‌گرایی به اهداف توسعه پایدار نزدیک گردید. بی‌شک شناخت بستر شکل‌گیری طرح، توجه به سایر مؤلفه‌های زمینه و شناخت نقش آن در هدایت بستر فکری کنونی آثار معماری بسیار حائز اهمیت است. با توجه به مطالب مطرح شده، سؤالات پژوهش حاضر اینگونه تبیین می‌شوند که چه میانی و اصولی باید در فرایند برنامه‌دهی معماری هماهنگ با زمینه مورد توجه قرار گیرد؟ چگونه مؤلفه‌های مطرح در زمینه می‌تواند بر وجوه مختلف طراحی معماری در مرحله برنامه‌دهی تأثیرگذار باشد؟ و چگونه می‌توان کمیت و کیفیت رابطه اثر معماری را با مؤلفه‌های مطرح در زمینه‌گرایی افزایش داد؟ مضمون مقاله بر آن نیست که زیبایی مطلق طرح‌ها و موفقیت آن‌ها را در انجام عملکردهای مربوطه و یا صرفاً ارتباط آن‌ها با طبیعت را مورد ارزیابی قرار دهد. هدف آشنایی با روش‌هایی است که برای ایجاد ارتباطی سازگار و همگون‌تر میان اثر معماری و زمینه‌های مختلف می‌توان از آنها بهره جست. در این راستا ابتدا مفهوم زمینه و زمینه‌گرایی در معماری مطالعه گشته و سپس موضوع برنامه‌ریزی در فرایند طراحی معماری و عوامل مطرح در این فرایند مورد بررسی قرار گرفته است تا واحدهای معنای پژوهش تبیین گردند. در مرحله بعدی با بررسی نمونه‌های موردی متنوع، پاسخ‌های ارائه شده به عوامل مطرح در فرایند برنامه‌دهی آن‌ها جهت ایجاد هماهنگی با زمینه اثر، مورد شناسایی قرار گرفته تا با تحلیل و طبقه‌بندی آنها معیارهایی جهت کاربرد در موضوع زمینه‌گرایی در معماری معرفی گردد. این پژوهش تلاشی جهت معرفی چگونگی هماهنگی بین عوامل مطرح در برنامه‌دهی معماری با نیروهای موجود در سایت و زمینه به لحاظ مسائل کالبدی، فرهنگی - اجتماعی و تاریخی است.

## ۲- نوع و روش تحقیق

این تحقیق از نوع کاربردی و روش تحقیق آن به صورت تحلیل محتوا<sup>۱</sup> است. تحلیل محتوا به محقق کمک می‌کند تا لایه‌های پنهان پدیده‌های مرتبط با موضوع پژوهش را به دست آورد، به اهدافی که پژوهش در راستای آن انجام می‌گیرد، نزدیک شود. این مقاله رویکردی کیفی در تحلیل محتوای مدارک مربوطه دارد. تحلیل محتوای کیفی روشی است که با استفاده از رویکرد کیفی و با به کارگیری فنون مختلف، به تحلیل نظام‌مند متون حاصل از مصاحبه‌ها، یادداشت‌های



نمودار ۱: مدل مرحله کاربرد مقوله‌بندی قیاسی در روش تحلیل محتوای جهت‌دار (Mayring, 2000).

در این تحقیق پس از جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای (استفاده از منابع مکتوب و اینترنت)، نمونه‌های موردی جهت تحلیل نحوه تعامل آن‌ها با زمینه طراحی‌شان انتخاب گشته‌اند. واحدهای معنا در این تحقیق عوامل مطرح در فرایند برنامه‌دهی معماری می‌باشند. واحدهای معنا به بخش اساسی متن به منظور مقوله بندی در طول تحلیل محتوا اشاره دارد که نمونه‌های برگزیده بر اساس آن‌ها تحلیل می‌شوند. در انتخاب نمونه‌ها سعی شده از پروژه‌های طراحی شده در زمینه‌های مختلف استفاده شود تا اطلاعات جامعی از انواع راهکارهای ارائه شده جهت زمینه‌گرایی در فرایند برنامه‌دهی طراحی به دست آید. در واقع نمونه‌ها بر اساس تفاوت سایت طراحی طبقه‌بندی شده‌اند. در این مقاله از پروژه‌های طراحی شده در دامان طبیعت، بافت سنتی، بافت جدید، نقاط شاخص شهری و همچنین نمونه‌های طراحی شده در کنار بناهای تاریخی یا شاخص استفاده شده است.

### ۳- مفهوم زمینه و زمینه‌گرایی در معماری و شهرسازی

زمینه (کانتکتست)<sup>۲</sup> در لغت اشاره به ارتباط میان کلمات و انسجام میان آن‌ها دارد. بنابراین کانتکتست در اصل به هم تافتن و مرتبط ساختن کلمات و جملات به منظور ساختن یک سخن یا گفته است. از این رو، کانتکتست مشار به ارتباط و هم‌نشینی میان اجزاست. در بستر شهر، به گونه‌ای قیاسی، می‌توان کانتکتست را اتصال و هم‌نشینی میان بناها خواند (مرزبان، ۱۳۸۹: ۷۸). مراد از زمینه همان متن بستر و محیطی است که معماری در آن خلق می‌شود و محتوا و شکل را در بر می‌گیرد. هر پدیده در محیط پیرامون خود تأثیر می‌گذارد و از

روزانه و یا اسناد می‌پردازد و به فراسویی از کلمات یا محتوای عینی متون می‌رود و الگوهایی را که آشکار یا پنهان هستند به صورت محتوای آشکار می‌آزماید (Zhang, 2006). آشکار و محتوای پنهان در تحلیل محتوای کیفی به تفسیر مربوط‌اند، ولی تفسیرها در عمق و سطح انتزاع متفاوت‌اند (Graneheim & Lundman, 2004). همین عامل موجب شده است که محققان، تحلیل محتوای کیفی را به‌منزله روشی انعطاف‌پذیر، به ویژه برای داده‌های متنی در نظر بگیرند. بنابراین تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر ذهنی محتوایی داده‌های متنی از طریق فرایندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدبندی و تم‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست (Hsieh & Shanon, 2005). رویکرد مناسب با تحقیق حاضر تحلیل محتوای جهت‌دار است. گاه نظریه یا تحقیقاتی قبلی درباره یک پدیده مطرح‌اند که به توصیف‌های بیشتری نیازمندند. در این حالت روش تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار مناسب است. این روش را معمولاً براساس روش قیاسی متکی بر نظریه طبقه‌بندی می‌کنند که تمایزات آن با دیگر روش‌ها بر اساس نقش نظریه در آنهاست. هدف تحلیل محتوای جهت‌دار معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی چارچوب نظریه و یا خود نظریه است. نظریه از پیش موجود می‌تواند به تمرکز بر پرسش‌های تحقیق کمک کند. این امر پیش‌بینی‌هایی را درباره متغیرهای مورد نظر یا درباره ارتباط بین متغیرها فراهم می‌کند. این موضوع می‌تواند به تعیین طرح رمزگذاری اولیه و ارتباط بین رمزها کمک کند، که نشان‌دهنده مقوله‌بندی به شیوه قیاسی است. این رویکرد نسبت به دیگر روش‌های تحلیل محتوا از فرایند ساختارمندتری برخوردار است (Hickey & kipping, 1996).

در نمودار شماره ۱ مدل مقوله‌بندی قیاسی نشان داده شده است که در آن محقق با به کار بردن نظریه‌های موجود در شناسایی و رمزگذاری داده‌ها اقدام می‌کند. از این رو قیاس اصلی در اینجا نظریه تدوین شده بر اساس نظریات از پیش موجود می‌باشد.

این پژوهش بر اساس روش تحقیق تحلیل محتوای جهت‌دار به روش قیاسی کار خود را بر اساس نظریه تدوین شده از نظریه‌های پیشین موجود در رابطه با عوامل مطرح در مسئله طراحی و فرایند آن (طبق جدول شماره ۱) و با شناسایی متغیرها یا مفاهیم اصلی برای طبقه‌بندی رمزهای اولیه آغاز می‌کند و در مرحله بعد تعریف‌های عملیاتی را برای هر مقوله با استفاده از نظریه مشخص می‌نماید (Kondracki, 2002).

آن تأثیر می‌گیرد. بنابراین هر دو در تعامل با یکدیگر هستند. به طور کلی زمینه‌گرایی سازگاری با زمینه‌های کالبدی، تاریخی و اجتماعی - فرهنگی است. در کل می‌توان زمینه را به سه دسته تقسیم کرد که از آن‌ها به عنوان واحدهای سطوح انتزاع در این تحقیق یاد شده است.

**الف) زمینه کالبدی:** در زمینه‌گرایی، اجزای شکل شهر به تنهایی ارزیابی و مطالعه نمی‌شوند، بلکه در زمینه وسیع‌تر محیطی قرار می‌گیرند. یک اثر معماری با نظام بزرگ‌تر شهری مرتبط است و در سلسله‌مراتبی از مجموعه‌ها قرار دارد. بنابراین زمینه‌گرایی پیوند میان معماری و شهرسازی در زمینه‌ای معین است. گرایش شهرسازان به ساخت و ساز در مجموعه موجود به معنی در هم بافتن نو و کهنه به نحوی است که بتواند یک کل زنده و مطلوب ایجاد کند (Waterhouse, 1978: 7). پس باید تعهد خاصی نسبت به مسأله ورود معماری جدید در درون زمینه موجود احساس شود. زمینه کالبدی که به شکل کل از قبل موجود گفته می‌شود، عناصری چون فرم و شکل، مقیاس، تناسبات، جزئیات مصالح، بافت، رنگ‌ها، هندسه، دسترسی‌ها، جهت‌گیری، چشم اندازها و پرسپکتیو، توپوگرافی محل، وضعیت پوشش گیاهی، بافت شهری شامل میزان تراکم بناها، خیابان‌ها و پیاده‌روها و نسبت آن‌ها با یکدیگر، ترکیب احجام و فرم‌ها در کنار یکدیگر، سازماندهی فضاها، همجواری بناها با یکدیگر، پیوند بناهای قدیمی و جدید، خط آسمان، خط زمین و نوع اتصال به زمین و بسیاری از این مسائل را دربرمی‌گیرد. هر محیط شهری الگویی خاص برای توده و فضا دارد اما طراحی شهری در صورتی موفق است که بتواند میان توده و فضا همزیستی مثبت ایجاد کند (Ashihara, 1983: 86).

**ب) زمینه تاریخی:** تاریخ‌گرایان بر این عقیده‌اند که گذشته برای شهرسازی کنونی درس‌هایی عینی دارد. اگر جامعه‌ای خود را از گذشته جدا کند، تلاش انسان گذشته را بی‌پهلو انگاشته است. انسان، در یک کلمه، طبیعتی ندارد. آنچه دارد تاریخ است. تنها فرق میان تاریخ انسان و تاریخ طبیعی آن است که تاریخ انسان هرگز نمی‌تواند از ابتدا آغاز شود. به گفته پوپر انسان اگر بخواهد پیشرفت کند باید روی شانه پیشکسوتان بایستد و سنت خاصی را ادامه دهد. جوهر جامعه توسعه آن به سنت پیوند خورده است (Rowe & Koetter, 1978: 118-119). زمینه تاریخی به میزان، نظم و رابطه اجزای شهر در طول زمان گفته می‌شود.

**ج) زمینه فرهنگی - اجتماعی:** زمینه‌گرایان اجتماعی - فرهنگی معتقدند که فرهنگ مجموعه قواعدی را می‌آفریند که

شکل ساخته شده بازتابی از آن است. مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی و نظام‌های نمادی مشترک به محیط خود معنی می‌دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می‌کنند (Rapoport, 1977: 6). اساس نظریه مکان درک خصوصیات انسانی و فرهنگی فضای کالبدی است. فضا به لحاظ کالبدی زمینی خالی، اما دارای محدوده و هدف است که اشیاء را به هم پیوند می‌دهد. وقتی فضا محتوای فرهنگی می‌یابد، "مکان" نامیده می‌شود. ویژگی مکان هم اشیائی را که دارای شکل، بافت و رنگ است دربر می‌گیرد و هم روابط فرهنگی را که بر اثر مرور زمان ایجاد می‌شود (Norberg-Schulz, 1980: 18). زمینه اجتماعی - فرهنگی به معنی، ارزش‌ها و اهداف مشترک گفته می‌شود.

معمار و شهرساز زمینه‌گرا باید قادر باشد ویژگی‌های یک مکان را دریابد و آن را بخشی از فرایند طراحی خود قرار دهد. زمینه‌گرایان بر این عقیده‌اند که هر ساختمان علاوه بر اینکه باید با ساختمان‌های موجود هماهنگی داشته باشد، خود باید زمینه‌ای مناسب برای ساختمان‌های آینده باشد. زمینه‌گرایی به معنای تقلید صرف از گذشته نیست، چرا که وضع موجود سایت در واقع بیانگر میزان پیشرفت علم در زمان ساخت بنا بوده و معماران و طراحان باید با استفاده از مفاهیم موجود در سایت تکنولوژی و دستاوردهای زمان خویش را به عرصه نمایش بگذارند. در معنای کلی می‌توان گفت که آغاز زمینه‌گرایی محله است اما زمینه‌گرایی در دو جهت خرد و کلان بسط می‌یابد. زمینه‌گرایی در مقیاس کلان به منطقه‌گرایی و در مقیاس خرد به حال و هوای درونی بنا می‌رسد. اما وجه جهانی منطقه‌گرایی نیز از حد منطقه فراتر رفته و بعدی جهانی می‌یابد؛ بدین سان معماری زمینه‌گرا خود را اگرچه عمیقاً در مکان فرو می‌برد اما حضور خود را تا دوردست‌ها تا شهرها و کشورها تا جهان و کیهان برمی‌افزاند. این حضور از جنس "گفتمان" و "سخن" است، یعنی حضوری معنایی و نه صرفاً نحوی (تولایی، ۱۳۸۰: ۴۳-۳۴). در این نوع معماری هر بنایی بر اساس زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، تاریخی، کالبدی، اقلیمی و شرایط خاص آن سایت طراحی و اجرا می‌گردد. گروهی دیگر معماری زمینه‌گرا را تصویری از آینده و در واقع زمینه‌گرایی و موضوعات وابسته آن را بازتابی از یک آگاهی جامع و گسترده از زمینه می‌دانند (Stokols, 1987: 15-17).

زمینه‌گرا بودن معماری همواره به معنای ایجاد هماهنگی و توازن با زمینه اطراف نیست. حساسیت معمار و میزان درک او از ویژگی‌های فیزیکی، ذهنی و احساسی سایت یا حس مکان

خصوص پیدایش برنامه‌دهی معماری، معماران معاصر و فعال در این زمینه، ادیت و پترانیس<sup>۳</sup> در سایت خود به طور صریح اعلام نموده‌اند: برنامه‌دهی معماری موقعی شروع شد که معماری آغاز شد. ساختمان‌ها همیشه براساس برنامه ساخته شده‌اند، به طریقی که تصمیم‌سازی‌ها انجام شده، طرح‌ها شکل گرفته، ساختمان‌ها ساخته شده و به اشغال درآمده‌اند. به گونه‌ای می‌توان ادعا نمود که باستان‌شناسان ساختمان‌ها را مورد کاوش قرار می‌دهند چون می‌خواهند از برنامه آنها سر درآورند. برنامه‌دهی معماری فرآیند جمع‌آوری و مدیریت اطلاعاتی است که در اختیار طراح قرار می‌گیرد و طراح با کمک آن اطلاعات، مناسب‌ترین تصمیمات مربوط به طراحی ساختمان را اتخاذ می‌کند (Cross, 2006). دسترسی به این طرح ارزشی، نیاز به روشهای تفکر طراحی دارد. تفکر طراحی تنها با مقوله طراحی (معماری) در ارتباط نیست و شاید بتوان ادعا کرد که تفکر طراحی نیازی برای همه و تلاشی برای فرهنگ سازی است. در تفکر طراحی ذهن عادت می‌کند که با هر مقوله درگیر و همه چیز را به صورت یک مسئله بیند (فیضی و خاک‌زند، ۱۳۸۴). ویلیام پنا در چاپ چهارم کتاب «مسئله کاوی» در سال ۲۰۰۱ میلادی، تعریف مسئله را در عرصه جستجوی مسئله معرفی می‌کند و طراحی کردن را در عرصه حل مسئله. برنامه‌دهی به کلیه فعالیت‌های جمع‌آوری، سازماندهی، تحلیل، تفسیر و ارائه اطلاعات مربوط به پروژه طراحی گفته می‌شود. از سویی دیگر، طراحی فعالیتی هدفمند، و همراه با تصمیم‌سازی می‌باشد و با تلاش در جهت رفع اختلافات و تناقضات به وجود آمده، در پی دستیابی به بهترین و متعادل‌ترین وضعیت ممکن در طول زمان است تا بهترین کیفیت ممکن زندگی را فراهم سازد (Pena & Parshall, 2009). از این رو در برنامه‌دهی، پیش از آنکه طرح، شکل اصلی خود را پیدا کند، کلیه وقایع مربوط به طراحی را مدنظر قرار می‌دهد، به طوری که به علایق و وابستگی‌های متناقض هم توجه دارد و در جهت رفع تناقضات اساسی بر می‌آید. برای اینکه از برنامه‌دهی به گونه‌ای مناسب استفاده شود، باید به مسئله مدیریت اطلاعات توجه خاصی داشت و همواره به این واقعیت اعتقاد داشت که اندیشیدن در حد نیاز پروژه، بسیار با ارزش‌تر از طراحی کردن نسنجیده و اجرای ناقص است.

در تصویر شماره ۱، چری و پترونیس، سعی دارند نشان دهند که مناسب‌ترین زمان برای اعمال تغییرات در پروژه، در حین برنامه‌دهی می‌باشد که در واقع هزینه تغییرات بر روی کاغذ بسیار اندک است ولی در مراحل پایانی که نقشه‌های نهایی ترسیم شده و فعالیت ساخت‌وساز آغاز

که تنها با حضور در یک مکان حاصل می‌شود، به معمار کمک می‌کند تا این ارتباط را بهتر درک و ایجاد کند. هر چند این امر می‌تواند تا اندازه‌ای خطرناک باشد. زیرا همواره این شبیه وجود دارد که استعدادهای یک زمین بسته به فلسفه فکری معمار تبیین و تعریف می‌شود (وایزبرگ، ۱۳۷۸).

اینطور به نظر می‌رسد که در طرح‌های معماری چند سال اخیر جهان، به گونه‌ای اهمیت تأثیرات نیروهای فرهنگی و تاریخی شهرها در طراحی مدنظر قرار گرفته است. این امر در بررسی اجمالی از آثار معماران مطرح و صاحب نظر مشهود می‌باشد. این نوع نگرش به طراحی در طول زمان به ارائه راهکارهای متفاوتی انجامیده است. زمینه‌گرایی در اینجا امکان توسعه یک ساختمان در آینده و تمایل به ایجاد ارتباط میان ساختمان و محیط پیرامون آن تعریف گشته است. یعنی محیط پیرامون در برگیرنده تمام عوامل محیطی از جمله زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی طرح است (شایان و دیگران، ۱۳۸۸: ۴۴). زمینه به عنوان عاملی هویت‌بخش به هر اثر معماری، با توجه به جغرافیا، تاریخ و فرهنگ هر سرزمین، بیان می‌شود. البته این رویکرد با گذشت زمان دارای سیر تکاملی است و در هر پروژه با توجه به ویژگی خاصش و خواسته‌های کارفرما به صورت متفاوت بیان می‌شود.

#### ۴- برنامه‌دهی معماری

امروزه مابین فعالیت‌های متعدد در طراحی پژوهی معماری، برنامه‌دهی به عنوان یکی از مراحل فرآیند طراحی محسوب می‌شود که توسط آن طراح با موضوع و اهداف یک پروژه طراحی به خصوص در زمینه نیازهای استفاده‌کنندگان، محیط و بستر پروژه آشنا می‌گردد و به صورتی نظام‌مند این اطلاعات و ایده‌های مناسب را در سطوح مختلف مراحل طراحی به کار می‌گیرد (محمودی، ۱۳۸۹). اگرچه توجه به مقوله برنامه‌دهی معماری از اواخر دهه ۱۹۶۰ میلادی در حرفه و مراکز آموزش معماری مطرح شد، ولی با تأمل بر روی فعالیت آن می‌توان ادعا نمود که برنامه‌دهی در طول تاریخ جدا از طراحی معماری نبوده است. توجه به مزایای برنامه‌دهی، به خصوص در شرایط حاضر اقتصادی و حرفه‌ای در کشور، می‌تواند نقش بسزایی در پیشرفت حرفه معماری داشته و معماری کشور را یک گام نزدیکتر به سوی ایجاد معماری خوب بنماید. در بحث طراحی پژوهی، مقولاتی چون فرآیند طراحی، توجه به مراتب و روش‌های جمع‌آوری اطلاعات مربوط به پروژه، شکل‌گیری ایده‌های طراحی و تصمیم‌سازی در مسیر دستیابی به پاسخ طراحی مطرح است (محمودی، ۱۳۸۹). در

مسئله طراحی بستر طراحی و موقعیت جغرافیایی آن، سایت طراحی، الزامات طراحی، خواسته‌های طراحی و نیازهای طراحی را در برمی‌گیرد. عوامل مربوط به طراح نیز شامل پیش‌زمینه‌های ذهنی، خلاقیت، تجربیات و سایر موارد است. موقعیت طراحی با تعامل طراح و مسئله شکل گرفته و مواجه شدن طراح با مسئله طراحی آغازگر فرایند طراحی است. تحلیل پاسخ‌های معماران در نمونه‌های موردی که در ادامه آمده، نشان می‌دهد که هرکدام از آن‌ها در فرایند برنامه‌دهی معماری، بر یکی از عوامل مطرح در آن فرایند بیشتر تمرکز کرده و ایده‌های خود را از خلال چنین توجهی می‌یابند. عوامل مطرح در فرایند برنامه‌دهی معمار به عنوان واحدهای معنا در جدول شماره ۱ آمده است.

جدول ۱: عوامل مطرح در فرایند برنامه‌دهی معماری بر مبنای مطالعات (واحدهای معنا)

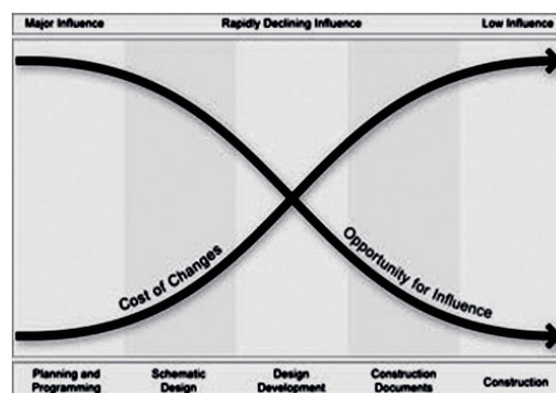
عوامل مطرح در فرایند برنامه‌دهی معماری (واحدهای معنا)		مسئله طراحی
ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، اقلیمی و تاریخی	بستر طراحی و موقعیت جغرافیایی	
پوشش گیاهی خاص، توپوگرافی، هویت مکانی، کاربری‌های اطراف سایت و سایر موارد	سایت طراحی	
قانون‌ها، استانداردها	الزامات طراحی	
اهداف کارکردی، ساختاری، اقتصادی و غیره	خواسته‌های طراحی	
نیازهای مادی و معنوی استفاده‌کنندگان	نیازهای طراحی	
پیش‌زمینه‌های ذهنی، خلاقیت، تجربیات، دانش، ارزش‌ها و باورها، گرایش‌های فرهنگی و الویت‌های زیباشناسانه		

#### ۵- بررسی نمونه‌های موردی

خلق آگاهانه و اندیشمندانه فضا برای زندگی فرد و جامعه از اهداف اصلی معماری و شهرسازی است. حال آنکه برخلاف گذشته آنچه امروز تولید می‌شود ساختمان است نه معماری، رشد شهری است نه شهرسازی. امروزه بسیاری از ساختمان‌ها بدون توجه به بافت و عوامل تأثیرگذار زمینه شهری خود طراحی می‌شوند که نتیجه چیزی جز دستیابی به نظامی ناهماهنگ در سیمای کالبدی فضای شهری و همچنین عدم توجه به پتانسیل‌های کالبدی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی محدوده طراحی نیست (کارمونا، ۱۳۸۸). جریان معاصر ساخت و ساز در ایران نیز، بیشتر ادامه راهبردهای آزموده ابتدای قرن و فاقد الگوی اجتماعی معینی در طرح خود هستند (مظفر و اسدپور، ۱۳۹۱). این نوشتار بر این است که با تحلیل

شده، هزینه اعمال تغییرات بسیار عظیم‌تر خواهد بود (Cherry & Patronis, 2009).

پنا در کتاب خود موضوع‌های طراحی را به چهار دسته تقسیم می‌کند: فرم، عملکرد، اقتصاد و زمان (Pena & Parshall, 2009). پالمر موضوع‌های طراحی را به سه دسته تقسیم می‌کند: عوامل انسانی، عوامل کالبدی و عوامل خارجی (Palmer, 1981). وایت فهرستی از وقایعی را که می‌بایست در مورد زمینه موجود بررسی شوند، مطرح و از این دسته‌بندی‌ها استفاده می‌کند: پروژه‌های مشابه، کارفرما، مسائل مالی، ضوابط و آئین‌نامه‌ها، برنامه‌ریزی توسط سازمان‌های مربوطه، عملکرد، سایت، آب و هوا و رشد و تغییر (White, 1972).



شکل ۱: رابطه بین زمان اعمال تغییرات در پروژه و هزینه ناشی از آن (Cherry, and Patronis, 2009)

شاید بتوان از یافته‌های رسترپو و کریستیانس، مسئله طراحی و راه‌حل‌های موجود در ذهن طراح را به عنوان دو منبع مطرح در فرایند برنامه‌دهی معماری نتیجه گرفت و یا به دسته‌بندی سه‌گانه لاوسون برای این منابع متشکل از برنامه طرح، قیود بیرونی مثل سایت و اصول راهنمای طراح اشاره کرد. لاوسون، کارفرما، استفاده‌کننده، قانونگذار و طراح را به عنوان چهار مولد اصلی مسئله طراحی مطرح کرده و توضیح می‌دهد که هر یک با محدودیت‌هایی که بر مسئله اعمال می‌کنند به نوعی به تعریف مسئله کمک می‌کنند (لاوسون، ۱۳۸۴). خواسته‌ها و اهداف کارفرما، نیازهای استفاده‌کنندگان و الزامات قانونگذار محدودیت‌هایی از این دست هستند و طراح نیز در تعریف خواسته‌ها و اهداف با کارفرما مشورت کرده و گاهی خود قیودی تازه بر مسئله اعمال می‌کند. لذا، راه‌حل نهایی طراحی، هم محصول رویکرد طراح و هم پاسخی است منعکس کننده محدودیت‌های سازنده مسئله طراحی.

برای مفهوم زمینه‌گرایی است که در قالب کالبدی، تاریخی و فرهنگی-اجتماعی معرفی شده‌اند. در مقاله پیش رو، تم‌های به دست آمده از انتزاع مضامین و معانی مرتبط مقوله‌ها بر اساس واحدهای سطوح انتزاع، در جدول ۵ تبیین گشته‌اند. پس از روشن شدن تعاریف مفاهیم مزبور نمونه‌های موردی پژوهش طبق مراحل مطرح شده جهت کشف تم‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند. در پژوهش حاضر سعی گشته تنوع در انتخاب پروژه‌ها بر اساس طبقه‌بندی مطرح شده در بخش روش تحقیق در رابطه با سایت طراحی مدنظر قرار گیرد تا با داشتن منطقه محتوایی غنی نتایج حاصل از تحلیل‌ها از جامعیت کافی برخوردار بوده و دستمایه مناسبی برای ادامه کار ایجاد شود. نمونه‌های موردی پژوهش بر اساس عوامل مطرح شده در جدول شماره ۱ به عنوان واحدهای معنا، با روش تحلیل محتوا و به صورت کیفی مورد بررسی قرار گرفته‌اند که به علت محدودیت حجم مقاله به معرفی چند مورد و ذکر نام برخی از آنها اکتفا شده که در جدول ۲ آمده است. هر کدام از نمونه‌ها در رابطه با پاسخ‌های ارائه شده در آن‌ها، نسبت به عوامل مطرح در فرایند برنامه‌دهی معماری، به طور کامل بررسی و تحلیل گشته‌اند. جمع‌بندی نتایج حاصل از مطالعات پروژه‌ها در جدول ۳ آمده است. اولین گروه، زمینه طراحی در بافت سنتی است. نمونه مربوط به این گروه طرح «سه خانه در بلژیک» است (شکل ۲ و ۳). اگرچه این سه نما دارای سبک‌های مختلفی هستند، ولی به لحاظ بصری ارتباط نزدیکی با هم دارند. هیچ یک از این ساختمان‌ها همه جزئیات مشترک را ندارند، ولی ترکیب خاصی آن‌ها را به هم پیوند زده است. تنظیم دقیق جزئیات موجب ایجاد وحدت و ایجاد بافت بصری مشابهی شده است. کتابخانه عمومی بریکسن نمونه بعدی است که در بافت سنتی بررسی شده است (شکل ۴).

گروه دوم، زمینه طراحی در کنار بنایی شاخص و تاریخی است. نمونه مربوطه پروژه «اسمبلی هال، مدرسه عالی فیلیپس اکستر، نیوهامپ شایر» است (شکل ۵ و ۶). ایوانک الحاقی به این تالارسخنرانی، نمونه‌ای عالی از تضاد جسورانه معمارانه است. این تضادها جزئیات را نیز در بر می‌گیرند. گچبری‌های کلاسیک را در استان معمار شکل داده و استادکار آن‌ها را آراسته است. آرایه‌بندی‌های جدید را نیز طراح تدوین کرده، ولی شیفتگی تأسفاور نسبت به بقایای سازه، جایگزین ظرافت دست استادکار شده است (برولین، ۱۳۸۶). بخش الحاقی به موزه متروپلیتین نمونه دومی است که در این گروه بررسی شده است (شکل ۷).

رویکردهای مطرح شده در نمونه‌های مورد مطالعه، نظریه زمینه‌گرایی را از ورای مقایسه تطبیقی در طراحی هر کدام از آن‌ها مورد نقد و بررسی قرار دهد. امید است این بررسی راهبردی باشد در تحصیل معماری انسانی‌تر و هماهنگ با زمینه در مقابل تجربه‌های جهانی و کلیشه‌های بین‌المللی. در این تحقیق پژوهش ویژه‌ای برای کشف تجربیات مرتبط با پروژه‌های مورد مطالعه درباره متغیرها (واحدهای معنا) انجام شده و نظرات کارشناسان، صاحب‌نظران و همچنین خود معمار در رابطه با جنبه‌های کالبدی، تاریخی و فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر پروژه بررسی گشته و در ادامه با مقایسه ماتریسی نظرات به دست آمده نقاط مشترک آن‌ها طبقه‌بندی شده است. در این تفسیر محتوای پنهان و آشکار، هر دو مورد توجه بوده است. در واقع با مطالعه کامل مطالب به دست آمده و مقایسه آن‌ها، بخش‌هایی که بر اساس برداشت اولیه مشخص می‌شوند، علامت‌گذاری می‌گردند. در مرحله بعدی بر اساس رمزهای از پیش تعیین شده (بر اساس نظریه) قسمت‌هایی که علامت‌گذاری شده‌اند، رمزگذاری می‌شوند. البته در این روند بررسی‌های چندباره جهت اطمینان از عدم سوگیری در رمزگذاری اولیه انجام شده تا اطمینان حاصل شود که همه معانی مرتبط با پروژه مدنظر قرار گرفته است. با توجه به نمودار ۱ در بخش روش تحقیق، واحدهای تحلیل<sup>۴</sup> در این پژوهش، پروژه‌های مختلف معماری اجرا شده در سایت‌های متنوع طراحی است که با طبقه‌بندی خاصی که در بخش روش تحقیق آمده انتخاب گشته و در جدول ۲ معرفی شده‌اند. واحدهای معنا<sup>۵</sup> نیز همان عوامل مطرح در فرایند برنامه‌دهی در معماری‌اند که در جدول ۱ تبیین گشته‌اند. این عوامل در واقع بر اساس نظریه‌های پیشین مطرح در این حوزه تدوین و طبقه‌بندی شده‌اند. منطقه محتوایی در واقع همان اطلاعات و مدارکی است که در هر پروژه‌ای با موضوع واحدهای معنا مرتبط بوده و کارآیی لازم را جهت تقویت زمینه‌گرایی در آن پروژه داشته‌اند. پس از بررسی واحدهای معنا و منطقه محتوایی و رمزگذاری توسط واحدهای معنا، مقوله<sup>۶</sup> مورد توجه قرار می‌گیرد. مقوله‌های به دست آمده از رمزگذاری داده‌ها در جدول ۳ تبیین گشته‌اند که همگی در هماهنگی کامل با هدف تقویت زمینه‌گرایی در تمام مراحل برنامه‌دهی معماری متناسب با واحدهای معنا و منطقه محتوایی به کار بسته شده‌اند. پس از مقوله به واپسین مفهوم بیان شده در تحلیل محتوای کیفی که مفهوم تم<sup>۷</sup> است پرداخته می‌شود. برای این منظور نیاز است مضامین و معانی مقوله در سطحی منطقی انتزاع گردند. در این تحقیق واحدهای سطوح انتزاع، دسته‌بندی سه‌گانه مطرح شده

فرهنگی برای شهر است، بلکه موجبات تبادل فرهنگی و پیشرفت تاز چانگ را برای قرارگیری در موقعیت جامعه بین‌المللی فراهم می‌آورد (سهیلی، ۱۳۸۶).

گروه پنجم، زمینه طراحی در نقطه شاخص شهری است. پروژه «برج رسانه‌های هانس هولاین در وین» از نمونه‌های بررسی شده از این گروه است. (شکل‌های ۱۳ و ۱۴). در این بنا نمای برج بازخوانی از ساختمان‌های همسایگی‌اش است که با احترام به رنگ، تناسبات و روزنه‌های آن طراحی شده است. در واقع بیشتر مشخصات فیزیکی، کالبدی و نمای پروژه‌های همسایه به عنوان زمینه انتخاب گشته است. همچنین جهت ایجاد تنوع در فرم و حجم و نیز جلب توجه افراد در این بافت شهری، مکعب شیشه‌ای کجی از بنای برج در ارتفاع بالا بیرون آمده که مرکز توجه در گوشه خیابان است و باعث خوانایی پروژه شده است (Hollein, 2000).

همانطور که گفته شد در راستای اهداف پژوهش و جهت دستیابی به راهکارهای عمیق‌تر نمونه‌های بسیار طراحی شده در گروه‌های مذکور با توجه به واحدهای معنا مطالعه گشته و فرایند طراحی آن‌ها ثبت گردیده است که به دلیل محدودیت حجم مقاله به معرفی چند مورد از آن‌ها اکتفا شده است.

گروه سوم، زمینه طراحی در دامان طبیعت است. پروژه «مجموعه مسکونی روکو» (شکل ۸)، در دامنه کوه روکو واقع شده و دارای چشم‌انداز وسیعی از خلیج اوزاکا تا بندر کوبه می‌باشد. ساختمان شامل دوازده خانه مسکونی است که با شبکه‌ای منظم طراحی شده و با شیب زمین تطابق یافته است. در جایی که ساختمان روی سراسیمبی بالا می‌رود، نوعی عدم تقارن دیده می‌شود و به طور حساب شده‌ای، موجب حذف قسمتهایی در شکل پلان‌ها و فضاهای باز وابسته به هم می‌شود که فرم کلی را تشکیل می‌دهند (آندو، ۱۳۸۱). مجموعه فرهنگی تیچیائو (شکل ۹) و خانه آبشار (شکل ۱۰) نمونه‌های بعدی هستند که در این گروه بررسی گشته‌اند.

گروه چهارم، زمینه طراحی در بافت جدید است. پروژه «خانه اپرای مرکزی تاز چونگ» یکی از نمونه‌هایی است که در این گروه بررسی شده است (شکل‌های ۱۱ و ۱۲). این طرح یک ساختار باز است که به طور فعال پیرامون خود را در کلیه جهات به کار می‌گیرد. در این پروژه به منظور جذب گروه‌های اجرایی بین‌الملل در راستای تبادل فرهنگی و جهت فراهم آوردن زمینه تفریح، سرگرمی و توسعه فرهنگی شهروندان و اداره‌کنندگان شهر تاز چانگ، یک خانه اپرای بزرگ در سطح جهانی پیشنهاد شده است. این خانه اپرا نه تنها یک مزیت

جدول ۲: ذکر چند نمونه از پروژه‌های زمینه‌گرای طراحی شده در دامان طبیعت، بافت سنتی، بافت جدید، نقاط شاخص شهری و همچنین پروژه‌های معماری در کنار بناهای تاریخی یا شاخص

### معرفی چند نمونه از واحدهای تحلیل

#### الف) زمینه طراحی در بافت سنتی



اشکال ۲، ۳ و ۴ (از سمت چپ): سه خانه در بلژیک (برولین، ۱۳۸۶) - کتابخانه عمومی بریکسن (Furuto, 2011)

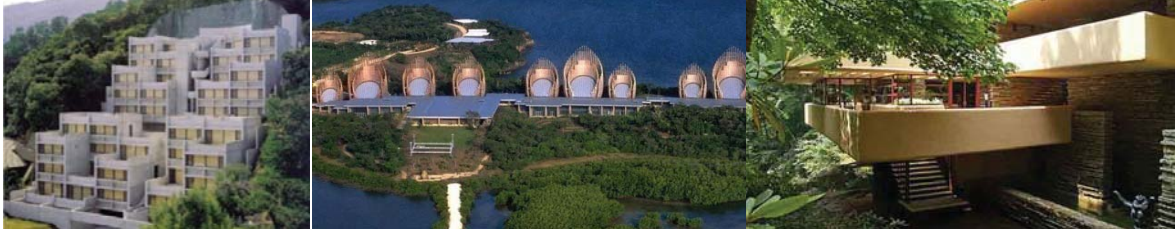
#### ب) زمینه طراحی در کنار بنایی شاخص و تاریخی



اشکال ۵، ۶ و ۷ (از سمت چپ): اسمبلی هال، مدرسه عالی فیلیپس اکستر، نیوهامپ شایر (برولین، ۱۳۸۶) - بخش الحاقی به موزه متروپولیتن (مونتانر، ۱۳۸۲)

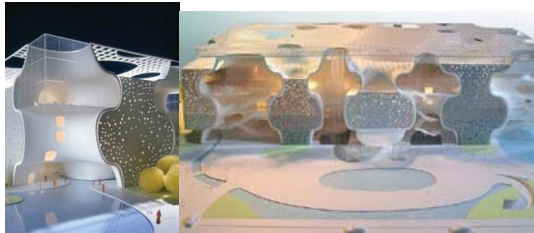


### ج) زمینه طراحی در دامان طبیعت



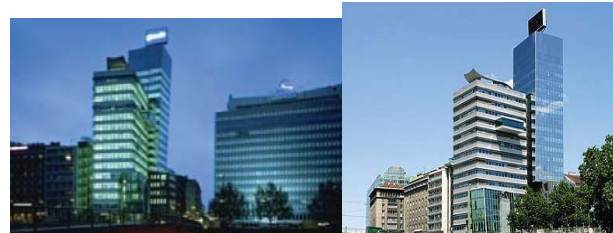
اشکال ۸، ۹ و ۱۰ (از سمت چپ): مجموعه مسکونی روکو (آندو، ۱۳۸۱) - مجموعه فرهنگی تیجیبائو (Meinhold, 2011) - خانه آشبار (Perez, 2010)

### د) زمینه طراحی در بافت جدید



اشکال ۱۱ و ۱۲: خانه ابرای مرکزی تای چونگ (سهیلی، ۱۳۸۶)

### ه) زمینه طراحی در نقطه شاخص شهری



اشکال ۱۳ و ۱۴: برج رسانه‌های هانس هولاین در وین (Hollein, 2000)

شده در جدول مذکور استفاده شده است. در جدول ۳، مقوله مربوط به هر واحد معنا در ردیفی مقابل آن واحد معنا آمده است تا در مرحله تدوین تم‌ها بتوان معیارهای مؤثر را در هربخش به دست آورد.

جمع‌بندی تحلیل‌های انجام شده برای نمونه‌های موردی در جدول ۳ آمده است. در واقع این‌ها همان مقوله‌هایی هستند که از رمزگذاری داده‌ها توسط واحدهای معنا به دست آمده‌اند. لازم به ذکر است در تحلیل تمامی نمونه‌ها از روند نشان داده

جدول ۳: پاسخ‌های ارائه شده در رابطه با عوامل مطرح در فرایند برنامه‌دهی معماری (مقوله‌های به دست آمده از واحدهای تحلیل)

#### پاسخ‌های ارائه شده در رابطه با عوامل مطرح در فرایند برنامه‌دهی معماری (مقوله)

توجه به ویژگی‌های جغرافیایی، فرهنگی-اجتماعی، تاریخی-مذهبی، طبیعی و اقلیمی منطقه و سعی در نمایش تاریخ بستر طراحی - بهره‌گیری از نوع شهرسازی منطقه- همگنی با سرمشق بارز معماری بومی و احترام به آن در طراحی تمام جنبه‌های بنا از لحاظ ارتفاع و خط آسمان و غیره- استفاده از ایده‌ها، فرم‌ها، عناصر و الگوهای رایج در آثار معماری گذشتگان متناسب با طرح- استفاده از صنایع و مهارت بومی به جای تقلید عین از معماری بومی- اجرا کردن ادبیات فرهنگی با رجوع به معماری بومی و استادکاران محلی- استفاده از مصالح بومی و روش عمل آنها جهت هماهنگی با ویژگی‌های فرهنگی- تاریخی و منظر طبیعی- استفاده از دانش خودآموخته ساخت و ساز متناسب با شرایط اقلیمی و جغرافیایی - استفاده از رنگ در کنار مصالح بومی جهت پیوند با گذشته (رنگ قرمز خاک منطقه و غیره)- استفاده از فرم‌های بدیع (سایبان‌های خاص و غیره) جهت مقابله با شرایط اقلیمی- بازتاب زیبایی‌های طبیعی و اقلیمی منطقه با انواع مصالح، رنگ‌ها، الگوها، گیاهان.

توجه به ویژگی‌های بصری و عوارض طبیعی سایت مورد نظر مانند فرم سایت (گسترده، صاف، صخره‌ای و غیره)، توپوگرافی، پوشش گیاهی، مسیر آب، بناهای موجود، چشم اندازها، مسیرهای دسترسی، امکانات شهری و غیره- ترکیب بنا با سایت موردنظر به روش‌های مختلف تشابه، هم‌رنگی، تضاد و غیره بسته به نیاز- استفاده از قابلیت‌های محیط (کوه، درختان، دره، آب و غیره) جهت طراحی لنداسکیپ پروژه- استفاده از پویایی و شفافیت جهت ایجاد چشم انداز به سایت و پیوند دائمی با آن متناسب با طرح- استفاده از طرح‌های شعاعی و غیره جهت هماهنگی با عوارض زمین (طراحی سازه‌ای که به معنای واقعی در سایت لنگر اندازد)- ارتباط بین حجم بنا و محیط بیرون با ایجاد هارمونی بین رنگ، بافت و سایه- الهام از سکوت و پویایی طبیعت سایت پروژه در طراحی- توجه به شیب طبیعی زمین و محیط ساخته شده و طبیعت موجود.

#### واحدهای تحلیل

بستر طراحی و موقعیت جغرافیایی

سایت طراحی

پروژه‌های طراحی شده در دامان طبیعت، بافت سنتی، بافت جدید، نقاط شاخص شهری و همچنین نمونه‌های طراحی شده در کنار بناهای تاریخی یا شاخص

توجه به مقررات و ضوابط ملی و منطقه‌ای - استفاده از بالاترین استانداردها در طراحی جهت ایجاد الگویی برای آینده - رعایت تمام ویژگی‌ها و الزامات یک طرح ملی - تأمین رضایت عمومی - در نظر گرفتن تدارکات پروژه با توجه به زمان حال و آینده - طراحی بنا در مسیر تداوم تمدن مهم و تاریخی منطقه - تعریف پیوندی یگانه بین پروژه و سایت - استفاده از استراتژی فراگیر توسعه پایدار برای حفظ، توسعه و ترمیم منطقه - اتصال ابداعی برای آمیختگی عناصر معماری معاصر با مصالح محلی - توسعه استانداردها و قاعده‌های بومی - رعایت امکانات و الزامات و شرایط فرهنگی و اقلیمی، جهت بهبود هویت مکان و تعریف شخصیت سایت و ایجاد زیربنایی به عنوان راهنما برای توسعه‌های آتی - انعکاس فرهنگ بومی در جریان فرهنگ جهانی - تناسب زیربنایی بخش‌های مختلف پروژه - رعایت مسائل مربوط به الزامات تاسیساتی، صرفه‌جویی در انرژی و غیره - استفاده از فناوری‌های نو در ساخت و ساز جهت تداوم راه توسعه - کارآیی اقتصادی - انتخاب مصالح و عناصر مختلف بسته به مقابله با نیروهای مختلف وارده بر ساختمان.

طراحی در جهت تفسیر و نمایش ارزش‌های تاریخی، فرهنگی - اجتماعی و هویتی منطقه - ایجاد تعادل بین منابع طبیعی و غیرطبیعی سایت و افراد ساکن در منطقه - ترمیم و توسعه تواناییهای سیستم طبیعی - ایجاد انعطاف‌پذیری برای توسعه در آینده - ایجاد آرایشی پویا در قسمت‌های مختلف طرح - کمک به بهبود بافت شهری و همسایگی - پیشرفت تکنولوژی‌های متنوع در طراحی و استفاده از فناوری‌های جدید و مصالح نو همانند نانوها و غیره جهت بهبود کیفیت محیط، صرفه‌جویی در انرژی و غیره - بهره‌وری استفاده از مصالح بومی با تکنیک‌های جدید - استفاده هوشمندانه از متریال‌های تکنولوژیک در کنار هنر و صنعت بومی - طراحی ترکیبی از طرح‌های بومی و منطقه‌ای و بین‌المللی و استفاده از دستاوردهای مصالح و فناوری از طریق ارتباط کالبدی و فضایی - طراحی بنای جدید به عنوان پنجره‌ای از سرزمین خود به دنیا و از دنیا به سرزمین خود - طراحی مکانی با در نظر گرفتن امکان گفتگو با سایر تمدنها - در نظر گرفتن شکوه و فضیلت عصر گذشته و معماری گذشتگان - طراحی با توجه به تغییر شیوه زندگی و اقتصاد - طراحی بنا و فرم آن با توجه به کاربری آن جهت تناسب کامل با نیازها و خواسته‌های موضوع - ایجاد بافت مناسب با فرهنگ استفاده‌کنندگان - ایجاد تنوع فرمی بسیار بدیع جهت شناسایی آسان فضاها - کیفیت بالای ساخت و دقت در ساختار، طراحی و اجرا - ابداعی برای غنای فردی و جمعی پروژه (هویت مستقل در عین هویت جمعی) - استفاده از مصالح ساده در نمای خارجی برای توجه مردم به معنویت فضا نه ظاهر آن - پاسخ به کارکردهای دنیای مدرن با تفسیر سنت بومی از معماری - ایجاد درجه‌ای از خلوص در مصالح، کانسپت و غیره جهت دوام در تمام تمدنها - در نظر گرفتن زیبایی، ایستایی و کارآیی برای سازه مورد نظر - طراحی بنایی جهت پاسخ به موقعیت تاریخی، شرایط بومی و محیطی، نیاز انسان، مصالح بومی، تکنولوژی و یگانگی در حال حاضر - تلاش برای توسعه جدید با زمینه بومی و جهانی - نمایش اعتقادات از طریق هنر.

تأمین نیازهای بهداشت محیطی، تفریحی و تاسیساتی - طراحی مکانی متناسب با کارکرد، نیازها و روحیات کاربران و نیز توجه به محدوده سنی کاربران - رعایت مسائل، الزامات و اصول ساختاری جهت سهولت دسترسی - رعایت نیازهای تعریف شده استفاده‌کنندگان و توجه به نیازهای مادی و معنوی آنها - تأمین امنیت - تأمین آسایش اقلیمی و ایجاد یک میکرو اقلیم برای پروژه - پاسخ به نیاز استفاده‌کنندگان در رابطه با معنا - توجه به سودمندی بنا - هماهنگی عناصر، نور، دسترسی، ارتباطات، مبلمان و غیره - خوانایی فرم خارجی و فضاهای داخلی آن - توجه به مقیاس انسانی - ایجاد صمیمیت در فضا - افزایش کیفیت کارکردی و تجربی فضاها - درک تعادل و آرامش - توجه به موقعیت اجتماعی - فرهنگی کاربران بنا و شخصیت میزبان - طراحی فضایی انسانی، قابل اداره، دوستدار مصرف‌کننده، متناسب از لحاظ اقتصادی و مطلوب از لحاظ بصری - رعایت اصول همسایگی.

نمایش نوع، ویژگی‌ها و موقعیت جغرافیایی سایت طراحی در کانسپت، مصالح، جزئیات، تزئینات، هندسه، ساختار و غیره- توجه به اصل و ذات هویتی- تاریخی منطقه و پیوسته باقی ماندن با آن- سعی بر کشف بنا از عمق ویژگی‌های بومی منطقه و ترکیب با آن- شناخت بصیرت پروژه- بکارگیری موتیف‌ها، طاق نماها، ایوان‌ها، آرایه‌ها، هندسه و سایر عناصر و الگوهای گذشته با توجه به ابعاد مدول‌های آنها در نما، فرم، ساختار، کف‌سازی و غیره- جذب و تجزیه و انتقال کهن الگوهای بومی و تاریخی- توسعه طرح در یک سلسله مراتب واضح تاریخی- استفاده از الگوی طراحی باغ با توجه به فرهنگ منطقه- طراحی در مسیر توسعه پایدار- طراحی در جهت پیوند گذشته به حال و آینده و ایجاد ارتباطی جدید با گذشته- استفاده از قابلیت‌های سایت به عنوان یک زیرساخت بوم شناختی جهت ایجاد یگانگی زیبای طبیعی- توجه به مفاهیم برگرفته از سایت و سعی بر تلطیف آن (مکانی دلشاد کننده در بیابان و غیره)- طراحی بناهای شاخص طرح در نقاط خاص سایت- بهره‌گیری از حضور نور، باد و آب در فضا- بهره‌گیری از مفهوم پیوند علم با فرهنگ و عالم روحانی با روش مختلف ترکیب فضاهای داخلی، انعکاس نور، استفاده از فرم‌های سمبلیک و غیره- استفاده از مدول برای طراحی مجموعه، پارتیشن‌ها، مبلمان و غیره با توجه به نوع کاربری- استفاده حداکثری از پتانسیل مصالح بومی و قابلیت محیطی- استفاده ابداعی از مصالح بومی جهت ابراز زیبایی- طراحی بنایی نمایانگر وابستگی به گذشته و جهشی به آینده در کانسپت و فرم- طراحی در زمان (در نظر گرفتن بنا به عنوان لحظه‌ای ثابت در زمان)- تعریف عملکرد فضا به عنوان پلی بین سبک‌های معماری و فضای جغرافیایی محیط- در نظر گرفتن شخصیت مستقل برای بنا جهت ماندگاری تصویر بنا در ذهن مردم- طراحی برای ایجاد بهشتی در درون- ایجاد تنوع فضایی و کاربردی در طرح جهت رویارویی با کثرت حالات آگاهانه- استفاده از سلسله مراتب فضاهای مختلف باز، بسته، نیمه باز و نیمه بسته- طراحی فضاهایی درون شبکه‌ای برای گسترش فضا در آینده- تعریف قایی از ترکیب بنا با محیط- در نظر گرفتن هر بخش به عنوان یک هویت و ذات مستقل معمارانه و در عین حال هماهنگ- طراحی برای پاسخ به محدودیت‌ها و نیازها.

طراح (پیش‌زمینه‌های ذهنی، خلاقیت، تجربیات، دانسته‌های علمی، ارزش‌ها و باورها، گرایش‌های فرهنگی و الویت‌های زیباشناختی)

بین پاسخ‌ها، عوامل مطرح در فرایند برنامه‌دهی معماری و مؤلفه‌های زمینه‌گرایی به عنوان واحدهای سطوح انتزاع، معیارهایی جهت کاربرد در طراحی معماری هماهنگ با زمینه ارائه گردد. نتایج مربوط به این بخش نیز تحت عنوان تم‌ها در جدول ۵ نشان داده شده است.

یافته‌های ناشی از تحلیل محتوای جهت‌دار می‌توانند پیشنهادهایی برای حمایت یا عدم حمایت از یک نظریه داشته باشند. این مدارک به وسیله نشان دادن رمزها و از طریق مثال‌ها و توصیف آن‌ها معرفی شده‌اند. مقوله‌های مشخص شده در تحقیقات می‌توانند دید متضادی از نظریه‌ها را ایجاد کنند و یا می‌توانند در جهت اصلاح، گسترده‌گی و تقویت کردن نظریه، تأثیر بگذارند. یکی از نقاط قوت تحلیل محتوای جهت‌دار را می‌توان پشتیبانی از نظریه‌های موجود و همچنین ایجاد فهمی گسترده‌تر از آن دانست. در ضمن همانطور که اشاره گردید قیاس اصلی در این تحقیق بر اساس نظریه تدوین شده بر پایه نظریات از پیش موجود می‌باشد و جهت اطمینان از پایایی، بازبینی مجدد در تمام مراحل انجام گشته است.

## ۶- یافته‌های پژوهش

ارزیابی کلی از فرایند برنامه‌دهی معماری و عوامل مطرح در آن در این تحقیق، از طریق بررسی کیفی اسناد و متون مرتبط با موضوع پژوهش با روش تحلیل محتوا صورت گرفت و بر اساس آن واحدهای معنای مطرح در این فرایند در دو گروه مسئله طراحی و طراح و همچنین عوامل مربوط به آن دو تعیین گردید که در جدول شماره ۱ نشان داده شده است. بعد از تعیین عوامل ذکر شده، به شناسایی پاسخ‌های ارائه شده به این عوامل در نمونه‌های موردی پرداخته شد. رمزگذاری و جمع‌بندی پاسخ‌های به کار رفته در فرایند طراحی نمونه‌ها تحت عنوان مقوله‌ها در جدول ۳ آمده است.

پس از تحلیل نتایج حاصل از بررسی نمونه‌های موردی و مطالعات مربوط به برنامه‌دهی در معماری، مراحل مطرح در فرایند طراحی پروژه‌های معماری در راستای رویکرد تحقیق حاضر طبق جدول ۴، تدوین گشت. با توجه به آنچه در جدول آمده، در تدوین تمام این مراحل، مؤلفه‌های کالبدی، تاریخی و فرهنگی- اجتماعی زمینه و تأثیرات آن‌ها در نظر گرفته شده است. در مرحله بعدی سعی شد تا با بسط و مطالعه تحلیلی

جدول ۴: مراحل مطرح در برنامه دهی معماری در تعامل با مؤلفه‌های مطرح در مبحث زمینه‌گرایی

فاز صفر: برنامه‌ریزی پروژه	تشکیل تیم پروژه شناخت کلان پروژه برنامه‌دهی تفصیلی پروژه
فاز یک: شناخت وضعیت موجود و مطالعه تطبیقی	شناخت وضعیت مطالعات تطبیقی
فاز دوم: تجزیه و تحلیل و تدوین برنامه راهبردی	ارزیابی وضعیت موجود در حوزه‌های مختلف کالبدی، تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، اقلیمی، معنایی، عملکردی و ادراکی تدوین راهبردهای مناسب در راستای حوزه‌های مختلف با توجه به نوع پروژه
فاز سوم: معماری وضعیت مطلوب	معماری وضعیت مطلوب با توجه به اطلاعات و شناخت‌های به دست آمده و زیرساخت‌های فنی
فاز چهارم: برنامه اجرایی	طراحی برنامه‌گذار ساماندهی، اجراء، پیاده‌سازی، ارزیابی و به روز رسانی طرح

نقش زمینه‌گرایی در فرایند طراحی پروژه‌های معماری مطرح‌اند. در تدوین این تم‌ها سعی شده محتوای پنهان در کنار محتوای آشکار در نظر گرفته شود. از آنجا که همه داده‌ها دارای معناها چندگانه‌اند، تم‌ها لزوماً جامع و مانع نیستند. چرا که یک مقوله، می‌تواند متناسب برای قرار گرفتن در بیشتر از یک تم باشد و در ضمن هر کدام از تم‌ها نیز خود به خرده‌تم‌ها تقسیم می‌شوند. تأکید بر استفاده از این مراحل جهت حمایت از نتایج موثق و قابل اعتماد است تا الگوها و موضوعات و اهمیت طبقه‌بندی هر کدام در راستای هدف اصلی به دست آید.

معیارهای به دست آمده در راستای انطباق مؤلفه‌های مطرح در زمینه‌گرایی در حوزه‌های کالبدی، تاریخی و فرهنگی - اجتماعی به عنوان واحدهای سطوح انتزاع با عوامل مطرح در برنامه‌دهی معماری به عنوان واحدهای معنا در جدول شماره ۵ ارائه شده است. در واقع مضامین و معانی مقوله‌ها در سطحی منطقی انتزاع گردیده و آنچه حاصل شده تحت عنوان تم‌های حاصل از این پژوهش در جدول مذکور آمده است. این معیارها که با بهره‌گیری از نتایج تحلیل نمونه‌های موردی منتخب تدوین گشته‌اند، در راستای تقویت

جدول شماره ۵: معیارهای مؤثر در راستای تعامل برنامه‌دهی معماری با مؤلفه‌های زمینه‌گرایی (تم‌های به دست آمده از مقوله‌ها)

عوامل مطرح در برنامه‌دهی معماری (واحدهای معنا)	زمینه (واحدهای سطوح انتزاع)	معیارهای مؤثر (تم‌ها)
مسئله طراحی	کالبدی	داشتن ساختار و فرم مناسب - وجود تناسبات بصری و غنای حسی - استفاده از جذابیت‌های طبیعی و زیست‌محیطی - هماهنگی و تضاد در مواد و مصالح - انطباق با تحولات فناوری - سازگاری با ریتم دگرگونی طبیعت و توجه به اقلیم - توجه به رابطه دوسویه انسان با طبیعت - نمایش زیبایی عینی با ماهیتی همچون هارمونی - توجه به امکان توسعه بنا در آینده - توجه به بناهای مجاور از جنبه‌های زیبایی‌شناختی - تعریف ارتباط بصری همگون و سازگار - انعطاف پذیری متناسب با طرح - انطباق نو و کهنه در عین نوآوری - تعریف فضای شهری به هم پیوسته و متنوع - حفظ مقیاس انسانی - توجه به ظاهر مکان در کنار معنا - توجه به اهداف عملکردی - پویایی فضایی و فعالیتی - خوانایی در عین جذابیت در فضا - الهام از سکوت و پویایی طبیعت سایت پروژه در طراحی - ایجاد درجه‌ای از خلوص در مصالح، کانسپت و غیره جهت دوام در تمام تمدن‌ها.

داشتن هویت و ویژگی منحصر به فرد- آشکار ساختن تداوم تاریخی فضا- حفظ اصالت بومی، فرهنگ خودی و سنتی- توجه به انرژی‌های تاریخی سایت- دستاورد موفقی از روحیه زمان و مکان- تلفیق جامعه محلی و جهانی- تداوم بصری در مقیاس وسیع شهر- اتصال اجزای شکل شهر برای تعریف معنی مشترک- تعریف رنگ تعلق به فضا- طراحی بنای جدید به عنوان پنجره‌ای از سرزمین خود به دنیا و از دنیا به سرزمین خود- در نظر گرفتن شکوه و فضیلت عصر گذشته و معماری گذشتگان.

وجود سرزندگی و جذابیت در فضا- انطباق با دگرگونی‌های مظاهر اجتماعی و تاریخی- ایجاد تعامل متوازن میان اجزای شهر و ارتقای کیفیت زندگی شهری- ایجاد شرایط مطلوب انسانی- پیروی از تنوع جامعه- ایجاد یک زندگی- ایجاد خاطره فرهنگی با فرانت مجدد از شهر- تعریف نظم کالبدی برای اهداف اجتماعی- رجوع به فرهنگ برای تعریف معنی مشترک- توجه به شیوه زندگی و ارتباط متقابل آن با سازمان فضایی- ایجاد غنای حسی و سرزندگی در فضا- مکانی با در نظر گرفتن امکان گفتگو با سایر تمدن‌ها- ایجاد بافت مناسب با فرهنگ استفاده‌کنندگان- ابداعی برای غنای فردی و جمعی پروژه- ایجاد صمیمیت در فضا.

رعایت اصول فضاسازی زمین به عنوان بستر شکل‌گیری طرح- احترام به طبیعت و استفاده از الگوهای بی‌زمان آن- خلاقیت در جستجوی لحظه به لحظه ذات زیبایی- غنا بخشیدن به تجربه فردی از محیط پیرامون- ساختن فضای سکوت جهت درک تحولات سرزمین- گوش دادن به موسیقی منظر و استنباط هارمونی و تضاد از طریق آن- استفاده از استراتژی فراگیر توسعه پایدار برای حفظ، توسعه و ترمیم منطقه- شناخت بصیرت پروژه- توجه به مفاهیم برگرفته از سایت و سعی بر تلطیف آن- ایجاد تنوع فضایی و کاربردی در طرح جهت رویارویی با کثرت حالات آگاهانه- طراحی فضاهایی درون شبکه‌ای برای گسترش فضا در آینده.

توجه به اصل و ذات هویتی- پایبندی به سنت‌ها- تأثیر آگاهانه از تمدن‌ها- توجه به عامل زمان و مکان برای ادراک و باور- احیای طبیعت در بستر محیط و هویت تاریخی شهر- درک چپستی زیبایی- تعریف تصویری از آینده- نقد و تحسین سنت‌ها- آمیختن خلاقیت با خاطره- تفسیر شکل شهر- توجه به مکان و جوهره تاریخی آن- نمایش اعتقادات و باورها از طریق هنر- توسعه طرح در یک سلسله مراتب واضح تاریخی- جذب و تجزیه و انتقال کهن الگوهای بومی و تاریخی- بهره‌گیری از مفهوم پیوند علم با فرهنگ و عالم روحانی- طراحی در زمان.

تجسم‌بخشی عینی به دستاورد پویای فرهنگی- تربیت اخلاقی و ارتقای شخصیتی با تعریف تعامل بین انسان‌ها در محیط- توجه به مفاهیمی همچون خلوت و سادگی عالم وحدت- اتصال به سرچشمه آفرینش- معنا قائل بودن به معماری در بستر طراحی- سعی بر ارتباط با انسان در زمینه- اشتیاق به موضوع- کسب آگاهی جامع و گسترده از زمینه- توجه به ارزش‌ها و اهداف مشترک- سازماندهی معنی با سازماندهی محیط مصنوع- تکیه بر مردم شناسی- طراحی فضایی انسانی، قابل اداره، دوستدار مصرف‌کننده، متناسب از لحاظ اقتصادی و مطلوب از لحاظ بصری.

تاریخی

فرهنگی - اجتماعی

کالبدی

تاریخی

فرهنگی - اجتماعی

شاخصه‌های کیفی در حوزه معماری و شهرسازی، یکی از مشکلاتی است که شهرهای امروز ما با آن دست به گریبانند و از آنجا که این فضاها، تجلی مکانی حیات می‌باشند، اثر متقابل کاهش کیفیت این فضاها بر تنزل کیفیت زندگی، عمق و ابعاد این مشکل را روشن‌تر می‌سازد.

در نهایت و با بررسی تطبیقی مبانی نظری و نتایج به دست آمده، پژوهش حاضر بر این نکته تأکید دارد که متمرکز شدن بر ابعاد مختلف زمینه در طراحی پروژه‌ها و یا بازساماندهی و ارتقاء کیفی آن‌ها، راهکاری در جهت بهبود فرآیند توسعه در راستای اهداف توسعه پایدار محسوب می‌شود و بدون توجه به آن‌ها، شهر حیات اجتماعی خود را باز نخواهد یافت. این امر نیاز به رویکردی جامع در ارتباط با برنامه‌دهی، طراحی و مدیریت پروژه‌های معماری و شهرسازی در دست اقدام دارد. نقش طراحی و فرایند رسیدن به گزینه مطلوب از این جهت حائز اهمیت بیشتری است که هدایتگر بوده و می‌تواند زمینه و بستر مناسبی برای ایجاد روح مکان فراهم نماید. با توجه به بررسی‌ها، زمینه را نه به عنوان عاملی ایستا در زمان، بلکه بایستی به عنوان عاملی پویا و متغیر و سیال در نظر گرفت. بدین جهت نمی‌توان بنای معماری را که متن نام دارد در زمینه‌ای متغیر و سیال و در حال تحرک، به صورت ایستا طراحی نمود. زمینه‌ای که در اکثر مناطق مثلاً در شهرها، بطور مدام در حال بازسازی و تغییر است و هر بنایی که ساخته می‌شود خود به عنوان بخشی از زمینه مطرح می‌گردد و به عنوان بخشی از زمینه برای بنای بعد از خود زمینه‌سازی می‌کند. بنابراین توازن میان معماری و زمینه کالبدی، تاریخی و فرهنگی - اجتماعی می‌تواند هم برای خود اثر و هم برای زمینه عاملی مؤثر و تقویت‌کننده باشد. زمینه‌گرایی الگویی است برای خلق محیط مطلوب‌تر. لذا شناخت و آگاهی بیشتر و درکی عمیق‌تر نسبت به زمینه و محیط برای معماران و طراحان امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. در این میان معمار هنرمند با آفرینش اثری جدید در فضای شهری موجود، می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در توجه به زمینه ایفا کند. معماری دارای ساختار، کالبد، زبان ادراکی و ریشه‌های معنایی، کارکردی، مادی، فرهنگی، اجتماعی و تاریخی است. از سویی دیگر زمینه مجموعه وسیعی از توده‌های شهری، کاربری‌های شهری، جمعیت‌ها و گروه‌ها، فرهنگ‌های کارکردی، سنتی، مدرن، رسانه و طبیعت را شامل می‌شود که گاه نقش زیرساخت و گاه نقش روساخت را در معماری بر عهده می‌گیرند. لذا، پس از فهم زبان معماری و زمینه یک اثر، می‌توان در تحلیل، شناخت و

پس از تشکیل تم‌ها، با بازبینی مقوله‌ها در اکثر مطالب کنترل جزء پایایی تحقیق انجام شده است بعد از اطمینان از نتیجه این بخش کار پایانی درون متنی انجام گشته و آن تفسیر نتایج و مرحله کمی تحلیل‌ها است. البته که کنترل کلی پایایی در حین کار پایانی درون متنی انجام شده است. نتایج به دست آمده از تفسیر کمی نتایج نسبت به مؤثرترین واحدهای معنا (عوامل برنامه‌دهی معماری) در راستای زمینه‌گرایی در جدول شماره ۶ آمده است.

جدول ۶: درصد فراوانی عوامل مطرح در برنامه‌دهی معماری در راستای تقویت جایگاه زمینه‌گرایی

درصد فراوانی	عوامل مطرح در برنامه‌دهی معماری	درصد فراوانی عوامل مطرح در برنامه‌دهی معماری در راستای تقویت جایگاه زمینه‌گرایی
۲۸٪	طراح	
۲۱٪	بستر طراحی و موقعیت جغرافیایی	
۱۸٪	خواسته‌های طراحی	
۱۴٪	سایت طراحی	
۱۱٪	الزامات طراحی	
۸٪	نیازهای طراحی	

در واقع نتایج جدول حاکی از این است که جهت تحقق زمینه‌گرایی در پروژه‌های بررسی شده کدام عامل بیشتر کاربرد داشته و در این مهم مؤثر بوده‌اند. با توجه به درصد‌های به دست آمده عامل «طراح» بیشترین و عامل «نیازهای طراحی» کمترین تأثیر را در جهت تقویت جایگاه زمینه‌گرایی داشته‌اند. هر چند تفاوت آشکاری بین درصد فراوانی عوامل دیده نمی‌شود که حاکی از تأثیر نسبی هر کدام با توجه به نوع پروژه و ویژگی‌های مربوط به آن است.

#### ۷- نتیجه‌گیری

زمینه‌گرایی و توجه به زمینه در معماری و شهرسازی به علت تأثیر بر جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی شهرها و در نتیجه تولید سرمایه اجتماعی از اهمیت بسیار زیادی برخوردار است. علاقه به ارزش‌های محلی و دلبستگی‌های مکانی واقعیتی است که هنوز بر اهمیت حفظ تفاوت‌ها و ویژگی‌های واحد هر فرهنگ تأکید می‌کند. چنین واقعیتی در زبان معماری به معماری زمینه‌گرا می‌تواند ترجمه شود. بنابراین ایجاد فضاهایی مناسب و مطلوب برای تمامی گروه‌های اجتماعی بخشی از وظایف مدیریت شهری، معماران و شهرسازان در حوزه طراحی و برنامه‌دهی در جهت اهداف توسعه محسوب می‌شود. کاهش مطلوبیت

زبان معماری و عنصر بافت پیرامون دریافت می‌کند. از این رو در فرایند برنامه‌دهی و طراحی پروژه‌های معماری و شهرسازی باید به نحوی از مؤلفه‌های زمینه بهره گرفت که با به نمایش گذاردن هویت خاص آن شهر یا منطقه، هم نشانگر ساختار مطلوب و با کیفیت برای شهر و هم نمایشگر اصالت فرهنگی و ارزشی آن شهر یا منطقه باشد.

طراحی آن اقدام نمود. مفاهیم به دست آمده از تحلیل نمونه‌های موردی به نوبه خود شاخص‌ها و معیارهایی هستند که بسته به قوی‌تر بودن هر مؤلفه، کالبد خاصی را پدید می‌آورند. معماری در بافت محیط خود زاده شده، بیان می‌آموزد و به بیان در می‌آید. معماری تعامل‌گرا با زمینه با تکیه بر این موضوع، کالبد و معنای خود را از تعامل بین

### پی‌نوشت

۱. تحلیل محتوا یکی از مباحث مهم و کاربردی است که پژوهشگران با استفاده از این روش، به واری‌های داده‌های خود می‌پردازند. تحلیل محتوا از رویکردی خاص برای تحلیل داده‌ها برخوردار است. این رویکرد خاص عمدتاً ناشی از نحوه تعلق از موضوع تحلیل (محتوا) می‌باشد. تحلیل محتوا را تکنیکی پژوهشی برای استنباط تکرار پذیر و معتبر از داده‌ها در مورد متن آن‌ها تعریف کرده‌اند. با تحلیل کیفی می‌توان یک رویکرد تجربی، روش‌شناسانه و کنترل‌شده مرحله به مرحله را با رعایت عناصر مورد مطالعه در نظر گرفت (Maring, 2000). در تحلیل محتوای کیفی، متن به شیوه‌ای قاعده‌مند به واحدهای تحلیلی تقسیم می‌شود و با دنبال کردن سؤال اصلی پژوهش، مقوله‌ها بر اساس جنبه‌های نظری ویژه تکوین می‌یابند و از طریق حلقه‌های بازخورد و بازنگری‌های لازم، تطابق مقوله‌ها در رابطه با نظریه و شیوه‌های تحلیل، تضمین می‌شود (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی بیشتر با کشف معنی در پیام سروکار دارد. نمونه‌های تحلیل محتوای کیفی معمولاً شامل متن‌های انتخاب شده هدفمند می‌باشند که می‌توانند به سؤالات تحقیق شکل ببخشند. در تحلیل محتوای کیفی فرضیه وجود ندارد، بلکه پیش فرض‌های ذهنی پژوهشگر منجر به طرح پرسش‌های تحقیق می‌شوند (کرپندورف، ۱۳۸۸).

### 2. Context

### 3. Edith Cherry, FAIA, ASLA and John Patronis, AIA, AICP

۴. در کل مقداری از فضای را که به یک موضوع یا یک عمل تحت مطالعه اختصاص داده می‌شود، واحد تحلیل گویند. باید در نظر داشت که واحد تحلیل باید به اندازه‌ای باشد که به منزله زمینه‌ای برای واحد معنا در فرایند تحلیل در نظر گرفته شود (Mertens, 1998).
۵. واحد معنا دربردارنده کلمه، جمله، یا عبارت‌ها و یا پاراگراف‌هایی است که در جنبه‌هایی از زمینه یا محتوایشان با یکدیگر ارتباط دارند. در واحد معنا مباحثی مطرح‌اند که پیش از رمزگذاری باید آنها را فهمید و رعایت کرد. واحد معنا، مبنا و پایه ساخت رمزگذاری است و از واحد معنا می‌توان به رمزگذاری رسید (Baxter, 1991).
۶. مقوله مرحله بعدی در تحلیل محتوای کیفی است. ایجاد مقوله، ویژگی اصلی تحلیل محتوای کیفی است. یک مقوله، گروهی از مضامین است که در یک وجه اشتراک شریک‌اند. مقوله‌ها دارای هماهنگی درونی و ناهمگونی بیرونی‌اند (Krippendorff, 1980).
۷. مفهوم تم دارای معنای چندگانه است و ایجاد تم‌ها شیوه‌ای است که مضامین و معانی اساسی را در مقوله‌ها با هم مرتبط می‌سازد. تم یک اصل تکراری ایجاد شده درون مقوله‌ها یا گسست میان مقوله‌ها است. تم‌ها رشته‌ای از معانی و مضامینی است که حوزه به حوزه تکرار می‌شوند (Krippendorff, 1980).

### فهرست منابع

- آندو، تادائو (۱۳۸۱)، شعر فضا، مترجم: شیرازی، محمدرضا، انتشارات گام نو، تهران.
- ایمان، محمدتقی؛ نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰)، تحلیل محتوای کیفی، نشریه پژوهش، سال ۲، شماره ۳، صص ۴۴-۱۵.
- برولین، برنت سی (۱۳۸۶)، معماری زمینه‌گرا، مترجم: رضازاده، راضیه، انتشارات خاک، تهران.
- بهزادفر، مصطفی؛ طهماسبی، ارسلان (۱۳۹۲)، شناسایی و ارزیابی مؤلفه‌های تأثیرگذار بر تعاملات اجتماعی تحکیم و توسعه روابط شهروندی در خیابان‌های شهری: نمونه مورد مطالعه سنندج، مجله باغ نظر، شماره ۲۵، صص. ۲۸-۱۷.
- تولایی، نوین (۱۳۸۰)، زمینه‌گرایی در شهرسازی، مجله هنرهای زیبا، شماره ۱۰، صص. ۴۳-۳۴.
- سهیلی، جمال‌الدین (۱۳۸۶)، توبو ایتو و اپرای مرکزی تای چانگ، برگرفته از پایگاه اطلاع رسانی معماری و شهرسازی ایران (آرونا) در تاریخ ۱۱ مرداد ۱۳۹۳ به آدرس اینترنتی <http://report.aruna.ir/archives/2007/Nov/%206/1338.php/url.html>
- شایان، حمیدرضا؛ عینی‌فر، علیرضا؛ دیبا، داراب (۱۳۸۸)، مفاهیم طراحی در زمینه بیگانه، تحلیل منطقه‌گرایی در آثار معماران غیر بومی در کشورهای مسلمان حوزه خلیج فارس، مجله هنرهای زیبا، شماره ۲۸، صص. ۶۰-۴۹.
- فیضی، محسن؛ خاک‌زند، مهدی (۱۳۸۴)، تفکر طراحی در فرآیند طراحی معماری، مجله باغ نظر، شماره ۴، صص. ۲۳-۱۳.
- کارمونا، ماتئو (۱۳۸۸)، مکان‌های عمومی، فضاهای شهری، مترجم: قزایی، فریبا و دیگران، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
- کرپندورف، کلوس (۱۳۸۸)، تحلیل محتوا (مبانی روش شناسی)، مترجم: نایی، هوشنگ، نشر نی، تهران.
- لائوسون، برایان (۱۳۸۴)، طراحان چگونه می‌اندیشند: ابهام زدایی از فرایند طراحی، مترجم: ندیمی، حمید، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- محمودی، امیرسعید (۱۳۸۹)، برنامه‌دهی معماری، یک ضرورت برای طراحی، نشریه هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی، شماره ۴۴، صص. ۸۵-۷۷.
- مرزبان، پرویز؛ معروف، حبیب (۱۳۸۹)، فرهنگ مصور هنرهای تجسمی، انتشارات سروش، تهران.

- مظفر، فرهنگ؛ اسدپور، علی (۱۳۹۱)، نقش الگوهای شکلی و اجتماعی در ساماندهی فضاهای باز مجموعه‌های مسکونی (قیاس تجارب شهرسازی قرن بیستم و نمونه‌های ایرانی)، نشریه مطالعات شهری، دوره ۱، شماره ۳، صص. ۱۲-۳.
- مونتائر، جوزف ماریا (۱۳۸۲)، موزه‌های جدید، مترجم: بحرالعلومی، اکرم، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، اداره کل میراث فرهنگی استان فارس.
- وایزبرگ، رابرت (۱۳۷۸)، خلاقیت فراسوی اسطوره نبوغ، مترجم: والفی، مهدی، انتشارات روزبه، تهران.
- هاشم‌نژاد، هاشم (۱۳۸۸)، طراحی شهری به مثابه اصلی مهم در سیمای شهر، نشریه هنرسو، شماره ۱، صص. ۲۸-۲۱.
- Ashihara Y., (1983), *The Aesthetic Townscape*, Trans. Lynne E. Riggs, MIT Press, Cambridge.
- Baxter LA, (1991), *Content Analysis, Studying Interpersonal Interaction*, Eds: B. Montgomery & S. Duck, New York, London, The Guilford Press, pp. 239-254.
- Cherry E, Petronis J., (2009), *Architectural Programming*, Retrieved July 29, 2014, from [www.html:file://J:/programming/Architectural Programming Whole Building Design Guide](http://www.html:file://J:/programming/Architectural Programming Whole Building Design Guide).
- Cross N., (2006), *Designerly Ways of Knowing*, Springer, London.
- Furuto A., (2011), *Brixen Public Library / AquiliAlberg*, Retrieved August 04, 2014, from <http://www.archdaily.com/?p=106479>.
- Graneheim UH, Lundman B., (2004), *Qualitative Content Analysis in Nursing Research*, *Nurse Education Today*, Vol. 24, pp. 105-112.
- Hollein H., (2000), *Generali Media Tower*, Retrieved August 04, 2014, from <http://www.hollein.com/eng/Architecture/Nations/Austria/Generali-Media-Tower>.
- Hickey G, Kipping C., (1996), *Issues in Research. A multi- Stage Approach to the Coding of Data Form Open-Ended Questions*, *Nurse Researcher*, Vol. 4, pp. 81-91.
- Hsieh Hsiu- Fang, Shanon Sara E., (2005), *Three Approaches to Content Analysis*, *Qualitative Health Research*, Vol. 15, No.9, pp.1277-1288.
- Kondracki NL, Wellman NS, (2002), *Contentanalysis: Review of Methods and Their Applications in Nutrition Education*, *Journal of Nutrition Education and Behavior*, Vol. 34, pp. 224-230.
- Krippendorff K., (1980), *Content Analysis, An introduction to its Methodology*, London, the Sage Commtext Series, Sage Publications Ltd.
- Mayring P., (2000), *Qualitative Content Analysis Forum: Qualitative Social Research*, Vol. 1, No. 2, Retrieved December 10, 2014, from <http://www.qualitative-research.net/index.php/fqs/article/view/1089/2385.htm>.
- Meinhold B., (2011), *Renzo Piano's Gorgeous Jean-Marie Tjibaou Cultural Center Inspired by Native Architecture*, Retrieved August 06, 2014, from <http://www.inhabitat.com/jean-marie-tjibaou-cultural-center-inspired-by-native-architecture/>.
- Mertens DM, (1998), *Research Methods in Education and Psychology, Integrating Diversity with Quantitative and Qualitative Approaches*, Thousand Oaks, London, and New Delhi. Sage Publications Inc.
- Norberg-Schulz C., (1980), *Genius Loci: Toward the Phenomenology of Architecture*, Rizzoli, New York.
- Palmer MA, (1981), *The Architect's Guide to Facility Programming*, The American Institute of Architects, Washington, DC.
- Pena W, Parshall SA, (2001), *Problem Seeking: An Architectural Programming Primer*, 4th edition, John Wiley and Sons, New York.
- Perez A., (2010), *AD Classics: Fallingwater House / Frank Lloyd Wright*, Retrieved August 08, 2014, from <http://www.archdaily.com/?p=60022>.
- Rapoport A., (1977), *Human Aspects of Urban Form*, Pergamon Press, New York.
- Rowe C, Koetter F., (1978), *Collage City*, MIT Press, Cambridge.
- Stokols D, Altman I., (1987), *Handbook of Environmental Psychology*, John Wiley & Sons, New York.
- Waterhouse A., (1978), *Boundaries of the City: The Architecture of Western Urbanism*, Toronto University Press, Toronto.
- White ET, (1972), *Introduction to Architectural Programming*, Tucson, Ariz., Architectural Media.
- Zhang Y., (2006), *Content Analsis (Qualitative, Thematic)*, Retrieved October 24, 2014, from <http://www.ils.unc.edu/~yanz/Content%20analysis.pdf>.